



نقش راهبردهای آموزشی در ارتقای بهزیستی روانی دانش‌آموزان

اعظم پرویزی^۱، هانیه گل محمدفرخانی^۲، ندا احمدیان چاشمی^۳، نجمه توانا رجب زاده^۴

۱- کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تربت جام

۲- کارشناسی شیمی کاربردی دانشگاه پیام نور مرکز مشهد

۳- کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور

۴- کارشناسی ارشد ادبیات زبان انگلیسی دانشگاه غیرانتفاعی تابران

چکیده

راهبردهای آموزشی به عنوان دستورالعمل‌ها و راهبردهایی که توسط مسئولان آموزشی و تربیتی تدوین می‌شوند، بر تداوم و بهبود سیستم آموزش و پرورش تأثیر فراوانی دارند. این راهبردها عموماً به منظور بهبود کیفیت آموزش، ارتقاء سطح دانش و مهارت‌های دانش‌آموزان، و به طور کلی ارتقاء بهزیستی آموزشی و روانی افراد می‌باشند. در این مقاله، به بررسی نقش راهبردهای آموزشی در ارتقای بهزیستی روانی دانش‌آموزان می‌پردازیم. امروزه، مسائل بهزیستی روانی دانش‌آموزان به عنوان یکی از موضوعات حیاتی در حوزه آموزش و پرورش مطرح است. گرایش به سوی ایجاد یک محیط آموزشی و تربیتی سالم و متعادل، به منظور توسعه فردیت و رشد سالم فردی و اجتماعی دانش‌آموزان، از جمله اولویت‌های مدیران و تصمیم‌گیران آموزشی می‌باشد. با این حال، نقش راهبردهای آموزشی در ارتقای این بهزیستی روانی و ایجاد محیطی مطلوب برای رشد و توسعه دانش‌آموزان هنوز به طور کامل مورد توجه و بررسی قرار نگرفته است. به طور کلی، راهبردهای آموزشی می‌توانند تأثیرات عمیقی بر روند و بهبود بهزیستی روانی دانش‌آموزان داشته باشند. از این رو، بررسی و تحلیل این تأثیرات و ارائه راهکارهایی جهت بهبود این راهبردها و تدوین راهبردهای مؤثرتر در این زمینه بسیار اهمیت دارد. این مقاله به بررسی چگونگی تأثیر راهبردهای آموزشی بر بهزیستی روانی دانش‌آموزان می‌پردازد و راهکارهایی را برای بهبود این نقش و ایجاد محیط‌های آموزشی بهینه ارائه می‌دهد.

کلمات کلیدی: نظام آموزش و پرورش، بهزیستی روانی، دانش‌آموزان، معلمان، مدارس.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقدمه

بهبودی روانی دانش‌آموزان، عنصری حیاتی در فرایند یادگیری و تربیت نسلی سالم و شاد محسوب می‌شود. در دنیای پرهیاهوی امروز، عوامل متعددی می‌توانند سلامت روان دانش‌آموزان را تحت شعاع قرار دهند. در این میان، راهبردهای آموزشی به عنوان ابزاری قدرتمند، نقشی کلیدی در ارتقای بهزیستی روانی دانش‌آموزان ایفا می‌کنند. با وجود اهمیت بهزیستی روانی دانش‌آموزان، شاهد آمار نگران‌کننده‌ای از مشکلات روانی در میان آنها هستیم. اضطراب، افسردگی، استرس و کمبود اعتماد به نفس، تنها نمونه‌هایی از این مشکلات هستند. شواهد نشان می‌دهد که راهبردهای آموزشی فعلی در بسیاری از موارد، به جای ارتقای سلامت روان، به تشدید این مشکلات دامن می‌زنند. بهزیستی روانی دانش‌آموزان به عنوان عنصری کلیدی در یادگیری و پیشرفت تحصیلی، نقشی حیاتی در آینده آنها ایفا می‌کند. راهبردهای آموزشی به عنوان رکن اصلی نظام آموزشی، نقشی مهم در ارتقای بهزیستی روانی دانش‌آموزان دارند. بررسی تأثیر راهبردهای آموزشی بر ارتقای بهزیستی روانی دانش‌آموزان، گامی مهم در جهت بهبود کیفیت آموزش و پرورش و ارتقای سلامت جامعه است. ارتقای بهزیستی روانی دانش‌آموزان، زمینه‌ساز یادگیری و پیشرفت تحصیلی آنها می‌شود. توجه به بهزیستی روانی دانش‌آموزان، به ارتقای کیفیت آموزش و پرورش و پرورش نسلی سالم و توانمند کمک می‌کند (بهبود و همکاران، ۱۴۰۱).

بهبودی روانی به عنوان یکی از مولفه‌های مهم سلامت انسان، نقشی کلیدی در زندگی انسان ایفا می‌کند. این مولفه، به معنای یافتن معنا و هدف در زندگی، داشتن روابط سالم با دیگران و احساس تعلق به یک جامعه یا گروه است. در دوران مدرن، با پیشرفت‌های فراوان در علم و فناوری، اهمیت مسائل مرتبط با سلامت انسانی به ویژه بهزیستی روانی به عنوان جزء اساسی زندگی فردی و اجتماعی بیش از پیش به چشم می‌خورد. بهزیستی روانی نه تنها به وضعیت روحی و روانی افراد اشاره دارد بلکه به احساس رفاه، ارتباطات مثبت با محیط اطراف، و یافتن معنا و هدف در زندگی نیز مرتبط است. این مفهوم، به‌ویژه در حوزه آموزش و پرورش، بر اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا نظام آموزشی به عنوان یک نهاد کلیدی در شکل‌دهی به شخصیت و ارتقاء سطح بهزیستی روانی جامعه نقش دارد. با وجود اینکه اهمیت بهزیستی روانی در نظام آموزشی به عنوان یک اولویت حیاتی تشخیص داده شده است، مشاهده می‌شود که بسیاری از این نظام‌ها هنوز با چالش‌ها و موانعی مواجه هستند که جلوگیری از دستیابی به سطح مطلوب بهزیستی روانی را سخت می‌کند. عدم توجه به این جنبه مهم، می‌تواند منجر به پیدایش مشکلاتی نظیر کاهش انگیزش و مشارکت دانش‌آموزان، افزایش استرس و اضطراب در محیط آموزشی، و کاهش کیفیت روابط اجتماعی گردد (طرفیه و همکاران، ۱۴۰۲).

با تغییرات فراگیر در جوانب مختلف زندگی، بهزیستی روانی به عنوان یک عامل اساسی در بهبود کیفیت زندگی افراد مورد توجه قرار گرفته است. این اهمیت بیشتر در محیط آموزشی نظام آموزشی و نقش بسیار مؤثری که آن در شکل‌گیری شخصیت و رشد روحی دانش‌آموزان دارد، به وضوح ظاهر می‌شود. برنامه‌ریزی آموزشی که به بهبود بهزیستی روانی در نظام آموزشی می‌پردازد، نه تنها به افزایش سطح آگاهی دانش‌آموزان از مفاهیم معنوی کمک می‌کند بلکه استراتژی‌ها و راهکارهای عملی برای تعزیز این بعد از سلامت را ارائه می‌دهد (بهبود و همکاران، ۱۴۰۱).

در دنیای پرهیاهوی امروز، کشف و رشد روانشناسی مثبت و بهزیستی روانی به عنوان یکی از راهکارهای اصلی برای مقابله با چالش‌ها و استرس‌های روزمره در زندگی افراد شناخته شده است. این مقاله با تأکید بر محور بهزیستی روانی در نظام



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

آموزشی، به بررسی چگونگی برنامه‌ریزی آموزشی جهت رشد این جنبه از سلامت می‌پردازد. از اهمیت این مقاله در این است که سعی در ارائه یک دیدگاه جامع و علمی جهت ارتقاء بهزیستی روانی دانش‌آموزان دارد و راهکارها و راهبردهای کاربردی برای معلمان و مسئولان آموزشی فراهم می‌آورد (طرفیه و همکاران، ۱۴۰۲).

بهزیستی روانی ممکن است چیزی نباشد که خیلی به آن فکر کنید، اما تأثیر آن بر زندگی شما اجتناب‌ناپذیر است. اساس معنویت این است که احساس معناداری را در زندگی خود کشف کنید و بدانید که هدفی دارید که باید انجام دهید. عوامل بسیاری در تعریف معنویت نقش دارند - ایمان مذهبی، اعتقادات، ارزش‌ها، اخلاق، اصول و اخلاق. برخی از طریق رشد در روابط شخصی خود با دیگران، یا از طریق صلح با طبیعت، معنویت را به دست می‌آورند. معنویت به ما این امکان را می‌دهد که آرامش و آرامش درونی لازم برای گذر از هر آنچه را که زندگی به ارمغان می‌آورد، پیدا کنیم، صرف نظر از اینکه فرد چه باورهایی دارد یا در کجا ممکن است در سفر معنوی شما باشد (حسینی و همکاران، ۲۰۲۲).

روح انسان نادیده گرفته شده‌ترین جنبه ماست. درست همانطور که برای تنظیم بدن خود ورزش می‌کنیم، یک روح سالم با تمرین هدفمند پرورش می‌یابد. روح جنبه ای از خودمان است که می‌تواند ما را از هر چیزی عبور دهد. اگر مراقب روحیه خود باشیم، حتی زمانی که زندگی ضربه سختی به ما وارد می‌کند، می‌توانیم احساس آرامش و هدف را تجربه کنیم. یک روحیه قوی به ما کمک می‌کند که حتی در مواجهه با سختی‌ها زنده بمانیم و با فضل شکوفا شویم (ویته و همکاران، ۲۰۲۲).

در حال حاضر اصطلاح معنویت از زمینه تاریخی خود جدا شده است و به نظر می‌رسد نتیجه آن پدیدار شدن شکلی از معنویت است که به صورت فردی تعیین می‌شود و منجر به کمرنگ شدن اصطلاح معنویت می‌شود و ممکن است هویت معنوی از دست برود. در این حالت اشکال متعددی از معنویت که فرد تعیین می‌کند، ظاهر می‌شود. برخی مطرح می‌کنند که این مسئله منعکس کننده اشتغال فکری نظام مراقبت سلامت با نظریه فردگرایی^۱ است (اسدزندی، مینو، ۱۳۹۸).

همانگونه که پیش از این اشاره شد، عموماً ذکر می‌شود که معنویت، کیفیتی فراتر از وابستگی مذهبی است و برای الهام، احترام، خشیت، معنا و هدف تلاش می‌کند. در این حالت، معنویت حتی در کسانی که به هیچ خدایی اعتقاد ندارند، می‌تواند وجود داشته باشد. معنویت لزوماً نباید شامل یک جزء مذهبی باشد؛ اگرچه مذهب ممکن است شیوه‌ای باشد که توسط آن افراد، معنا را در مورد زندگی شان، درک کنند (فرانسیس و همکاران، ۲۰۲۱).

برخی دیدگاه‌ها بیانگر آن است که فعالیت‌هایی همچون مراقبه، مجسمه‌سازی و فعالیت‌های حمایتی گروهی ممکن است اجزاء مختلف بهزیستی روانی همچون معنا و هدف در زندگی، خود آگاهی و اتصال به خود، دیگران و یک واقعیت بزرگ‌تر را تأمین کنند. گاه، موارد زیر نیز به عنوان اموری که به فرد از نظر معنوی کمک می‌کنند، ذکر می‌شود: کار با سرویس اجتماعی یا کار داوطلبانه، نیایش، خواندن آوازهای عبادی، خواندن کتاب‌های وحی، پیاده‌روی در طبیعت، داشتن زمانی بدون سر و صدا برای فکر کردن، انجام یوگا، انجام یک ورزش یا حضور در خدمات مذهبی (ویته و همکاران، ۲۰۲۲).

هنگامی که هدف از برخورداری از بهزیستی روانی، احساس راحتی، آرامش درونی و... بیان می‌گردد، این نتیجه را در پی دارد که با توجه به متفاوت بودن افراد، آنچه ممکن است برای فردی احساس راحتی و آرامش ایجاد کند، ممکن است برای دیگری کارایی نداشته باشد (مظفری نیا و همکاران، ۲۰۱۴).

¹ Individualism



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

پس هر کس باید در پی چیزی باشد که برای شخص وی احساس راحتی، امید، معنا و آرامش درونی به ارمغان آورد و مطالب فوق نتیجه طبیعی این دیدگاه است. در این راستا بیان می‌شود که بسیاری از مردم به معنویت از طریق مذهب دست می‌یابند، برخی از طریق موسیقی، هنر یا ارتباط با طبیعت. دیگران آن را در ارزش‌ها و اصول خود می‌یابند. با دیگران، تعاملات معنوی مشخص به وسیله عشق، اعتماد، صداقت و درستکاری، یکپارچگی، احترام، فداکاری و دلسوزی، تجربیاتی در مورد طبیعت که احساس نزدیکی و اتحاد با دنیای طبیعی را ایجاد کند، ارتباط با ارواح جدا شده از جسم، ارتباط غیر شخصی با برخی نیروهای برتر یا قدرتی که جهان را هدایت می‌کند یا با یک خدای شخصی که فرد را می‌شناسد و از او مراقبت می‌کند (طرفیه و همکاران، ۱۴۰۲). برخی معتقدند معنویت یک تجربه شخصی است که از فردی به فرد دیگر شکل آن متفاوت است. در این دیدگاه، زمینه‌های مشترک که در تمام تظاهرات معنوی گسترده‌اند، عبارتند از: احساسات دوست داشتن و دوست داشته شدن، کمک کردن به دیگران، لذت را تجربه کردن، یک هدف اساسی در زندگی داشتن، تجربه کمال و آرامش در زندگی (کومو، ۲۰۰۷).

در این مقاله، تدوین راهبردهای استراتژیک برای رشد بهزیستی روانی در نظام آموزشی ضروری به نظر می‌رسد. این مقاله با هدف ارائه یک تجزیه و تحلیل جامع و نوآورانه از چالش‌ها و موانع موجود در مسیر بهبود بهزیستی روانی در آموزش، به بررسی راهکارها و راهبردهای استراتژیک موثر در این زمینه می‌پردازد. این اقدام نه تنها به بهبود عملکرد نظام آموزشی از نظر بهزیستی روانی کمک می‌کند بلکه می‌تواند تأثیرات مثبت و گسترده‌ای را بر جوانب دیگر زندگی فردی و اجتماعی جامعه داشته باشد.

بهزیستی روانی در نظام آموزشی

بهزیستی روانی برای فرآیند پیمایش در تجارب زندگی ضروری است، به ویژه در طول دوره تحصیلات تکمیلی و سایر مراحل زندگی که بر آن تأثیر می‌گذارد (هسیاو و همکاران، ۲۰۱۰). مراقبت معنوی از دانش‌آموزان حمایت می‌کند تا چارچوب اعتقادی خود را رشد دهند و هدف و معنای زندگی و هویت خود را کشف کنند. ما هر زمان که از افراد دچار ضرر، بحران و گذار می‌شوند حمایت می‌کنیم، به ویژه با توانایی‌شان در معناسازی و زندگی هدفمند. هر موقعیتی که احساس کنند زندگی آنها را دشوار می‌کند، هر زمان که درک آنها از خود، دنیای اطراف یا احساس تعلق و ارتباط آنها با چالش مواجه شود، دارای یک عنصر انسجام است (ویته و همکاران، ۲۰۲۲).

دانش‌آموزان می‌توانند از طریق قرار ملاقات‌های انفرادی با ارائه‌دهندگان مراقبت‌های معنوی از انواع سنت‌های نه تنها مربوط به دین، بلکه به فلسفه و جهان بینی، به پشتیبانی شخصی محرمانه دسترسی پیدا کنند. در این زمان، قرار ملاقات‌ها از طریق تلفن یا یک پلت فرم چت تصویری امن ارائه می‌شود. بسته به هویت معنوی دانش‌آموز، راه‌هایی وجود دارد که می‌توان آنها را روحانی، مذهبی، بی‌خدا یا آگنوستیک معرفی کرد. ما سعی می‌کنیم به دانش‌آموزان اطلاع دهیم که معنویت یک مؤلفه اساسی رفاه است که همه افراد را بدون در نظر گرفتن اینکه چگونه شناسایی می‌کنند، درگیر می‌کند. فقط این است که همه ما یک شکل منحصر به فرد از ظاهر آن داریم (عباس زاده، فرشاد، ۱۳۹۸).

علاوه بر ارائه حمایت برجسته از دانش‌آموزان در سطح فردی، هدف دیگر از برنامه‌های ارائه شده توسط مراقبت معنوی، ایجاد محیطی است که تنوع در هویت‌های معنوی را در مدرسه در بر گیرد. بخشی از نقش ما این است که به مردم یادآوری کنیم که جامعه‌ای به زیبایی متکثر و متنوع داریم، و می‌توانیم تفاوت‌ها را محترم بشماریم و با وقار رفتار کنیم (هاکس و همکاران،



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

(۱۹۹۵).

بهبودی روانی دانش‌آموزان در آموزش، انعطاف‌پذیری و انعطاف‌پذیری عاطفی را متحد می‌کند و نقش مهمی در کمک به دانش‌آموزان ایفا می‌کند. جنبه‌های بهبودی روانی در دانش‌آموزان عبارتند از: شجاعت، نیکوکاری، خلاقیت، نشاط، مراقبت، انضباط، برابری، وفاداری، نیکی، صداقت، فروتنی، شادی، کمک، سخت‌کوشی، شوخ‌طبعی، مهربانی، رفتار، اطاعت، وقت‌شناسی، صلح، مودب، اجتماعی، مشارکت‌فداکاری، اخلاص، سادگی، راستگویی و ارزش‌بودن (کومو، ۲۰۰۷).

آموزش معنوی، اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی به دانش‌آموزان ما کمک می‌کند تا ویژگی‌های فردی شخصی خود را پرورش دهند که به آنها کمک می‌کند تا به اعضای ارزشمند جامعه تبدیل شوند. به عنوان مثال، متفکر بودن، صداقت، احترام به تفاوت، اصول اخلاقی، استقلال و احترام به خود (شی و همکاران، ۲۰۲۳).

تشویق مشارکت دانش‌آموزان

اصطلاح مشارکت توصیف می‌کند که چگونه دانش‌آموزان نظرات خود را در مورد آنچه در کلاس، مدرسه و جامعه گسترده‌تر اتفاق می‌افتد ارائه می‌دهند. استراتژی‌ها عبارتند از:

- افزایش فرصت‌های دانش‌آموز برای به اشتراک گذاشتن افکار و نظرات خود مانند مشارکت در تهیه مواد آموزشی یا علامت‌گذاری معیارهای یک واحد کاری یا در سطح وسیع‌تر، کمک به ایجاد برنامه‌های رفاه مدرسه
- دادن حق انتخاب به دانش‌آموزان در یادگیری خود مانند توانایی انتخاب حالت‌های مختلف تکلیف
- فرصت‌های یادگیری واقعی یا «زندگی واقعی» که به دانش‌آموزان معنا و هدف برای یادگیری آنها می‌دهد عبارتند از: یادگیری مبتنی بر تحقیق، فعالیت‌های هم‌درسی و ایجاد پیوندهای فراتر از کلاس درس.
- ساختارهای رسمی رهبری دانشجویی، مانند پشتیبانی همتایان، راهنمایی همتایان
- تسهیل اداره کلوپ‌ها و گروه‌های فوق برنامه توسط دانش‌آموزان
- تسهیل کار دانش‌آموزان در مدرسه و جامعه گسترده‌تر، به عنوان مثال، داوطلب شدن یا انجام پروژه ای با جامعه محلی (کومو، ۲۰۰۷).

ایجاد روابط مثبت با دانش‌آموزان

فرصت‌هایی را برای دانش‌آموزان فراهم کنید تا فعالانه تمرین کنند و با ارزش‌هایی که توسط مدرسه پرورش می‌یابند زندگی کنند. آموزش ارزش‌های مثبت و ویژگی‌های شخصیتی را در برنامه درسی قرار دهید. تمرین‌ها و برنامه‌های متمرکز بر رشد ارزش‌ها و شخصیت‌های مثبت شامل فعالیت‌هایی مانند:

- اختصاص زمان کلاس به آموزش و کشف ارزش‌ها
- سازماندهی نمایش بصری ارزش‌ها در کلاس‌های درس، که ممکن است پوسترهای تولید شده توسط دانش‌آموزان باشد
- بحث در مورد الگوهای نقش برای نشان دادن اینکه چگونه افرادی که ما آنها را تحسین می‌کنیم با این ارزش‌ها



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زندگی می‌کنند

- تجلیل و به رسمیت شناختن اقدامات دانش آموزان که باعث ترویج مدرسه یا ارزش‌های مشترک می‌شود
- حمایت از فعالیت‌های مشترک، به عنوان مثال باشگاه محیط زیست یا داوطلب شدن در جامعه

عوامل و موانع تدوین راهبردهای استراتژیک بهزیستی روانی

برای تأمین سلامت باید علاوه بر عوامل و موانع درونی، عوامل و موانع بیرونی دخیل در سلامت را نیز شناسایی و آن دسته از آنها را که در اختیار ما هستند به نحو مناسب کنترل کنیم. مهم‌ترین عوامل و موانع درونی و بیرونی دخیل در امر بهزیستی روانی عبارتند از (عباسی، ۱۳۹۱):

عوامل درونی: علم و دانش نسبت به خداوند متعال و دین حق، محبت به امور معنوی، امید به تعالی و وصول به مقام قرب الهی، همت بلند و احساس شرافت، ایمان و اطاعت از خدا و اولیای او، توکل، صبر، اخلاص، تقوا و پرهیز از گناه، یاد خدا و نعمت‌های الهی، تفکر درباره مرگ و جهان آخرت، شکر، دعا و استغاثه، شرح صدر؛

موانع درونی: خودپسندی، خودرأیی، دنیاگرایی، تجمل‌گرایی، لذت‌گرایی و شهوت پرستی، راحت طلبی، احساس بی‌نیازی از خدا و آرزوهای دور و دراز، سستی و اهمال؛

عوامل بیرونی: معلم و مربی متقی و مومن، خانواده و دوستان مناسب، سخنوران و هنرمندان متعهد، مساجد و اماکن مذهبی، رسانه‌ها و مواهب طبیعی مناسب؛

موانع بیرونی: مراکز گناه، هم‌نشینیان و دوستان، فقر و بیکاری، مال حرام. برای ارتقای بهزیستی روانی، باید عوامل و روش‌های متنوعی را بسته به گروه‌های هدف و شرایط موجود بکار گرفت و موانع احتمالی را برطرف کرد. اما به کارگیری عوامل، رفع موانع و استفاده از روش‌های گوناگون، در صورتی ما را به نتیجه مطلوب می‌رسانند که در عملیات مزبور از اصول خاصی پیروی کنیم. این اصول راهنمای عمل دست‌اندرکاران آموزش بهزیستی روانی در مراحل گوناگون هستند که در اینجا به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم.

۱. ایجاد هماهنگی میان عوامل و نهادهای تأثیرگذار در امر بهزیستی روانی، مانند آموزش و پرورش و خانواده، بر محور تعالیم اسلام و الگو قرار دادن شیوه معصومین علیهم السلام؛
۲. توجه هم‌زمان به نیازهای مادی و معنوی، و ظاهر و باطن؛
۳. رعایت تناسب و توازن در زمان بندی برنامه‌های پیشنهادی، محتوا و روش‌ها، با اهداف، شرایط، فرصت‌ها، سطح، پیشینه، استعداد و ظرفیت مخاطبان؛
۴. رعایت اصل تدریج در حرکت به سوی تثبیت گرایش‌ها و خصلت‌های معنوی مثبت، مانند تزکیه، تقوا، زهد، عزت و کرامت، احساس مسئولیت و فطرت‌گرایی، و رفع گرایش‌ها و عادات منفی؛
۵. استمرار برنامه‌ها و نظارت دائمی بر اجرای آنها و ارزیابی مستمر آنها؛
۶. اولویت دادن به اهداف متعالی و معنوی نسبت به سایر اهداف در برنامه‌های سازمان‌ها و نهادهای مختلف؛
۷. به‌کارگیری معلمان و مربیان متعهد و پایبند به معنویت و اخلاق اسلامی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۸. مدیریت بهزیستی روانی شامل برنامه ریزی، سازمان دهی، بسیج منابع انسانی و امکانات لازم، هدایت و رهبری فرآیند بهزیستی روانی و کنترل و ارزیابی مستمر آن.

تدوین راهبردهای استراتژیک بهزیستی روانی در نظام آموزشی

برای تدوین راهبردهای های استراتژیک بهزیستی روانی به دانش‌آموزان، از روش‌های متنوعی می‌توان استفاده کرد. استدلال، تفکر، تمرین و تکرار، شبهه‌زدایی، عبرت‌آموزی، تحلیل، نقل داستان، الگوبرداری، تقلید و همانندسازی، معرفی بزرگان اخلاق و معنویت، مطالعه سرگذشت ایشان و دیدار با آنها، مشاوره، موعظه عمومی و خصوصی، برگزاری مراسم عبادی، توسل به معصومین علیهم السلام، مسابقه و رقابت سالم، استفاده از جاذبه‌های محیطی در القای مفاهیم معنوی، تشویق، امتیازدهی و تحسین، توبه و بازگشت سریع از گناه و خطا، مبارزه با انحرافات محیطی و اسباب آن، پرورش روحیه حیا، عفت، عفو و بزرگواری.

در خصوص آموزش معنویت در حوزه آموزش دانش‌آموزان، برنامه ریزان درسی باید نیازهای آموزشی، محتوای آموزشی، روش‌های آموزشی، ارزشیابی آموزشی را بررسی و طراحی کنند (عباسی، ۱۳۹۱).

انسان در هر زمانی به معنویت احتیاج دارد و بهترین زمان برای تعلیم دادن معنویت دینی زمان کودکی و زمان به مدرسه رفتن است. چنانکه خداوند در آیه‌ای یادآوری می‌کند که دین هماهنگ با فطرت و طبیعت انسانی است و بنابراین همیشه به صورت یک احتیاج ضروری و قطعی بشر خود نمایی می‌کند. معنویت در نظام آموزشی باید به‌گونه‌ای مطرح شود که بتواند متناسب با درک و فهم دانش‌آموزان آنها را متوجه عوامل روحی و معنوی کند.

وظیفه مدرسه تنها تلقین معلومات و معارف نیست، بلکه مانند محیط منزل و خانواده، عامل مهمی در ایجاد اخلاق و قلب سلیم است. جمع شدن دانش‌آموزان در مدرسه، سبب پیوستگی اخلاق بین آنها می‌شود که این امر با آموزش صحیح معنویت در نظام آموزشی با رعایت اصل میانه روی و تعادل امکان پذیر است (بنزلی، ۱۹۹۱).

جوامع در گذر از نهادهای اجتماعی و آموزشی خود مانند نهاد خانواده، نهاد آموزش و پرورش و امروزه رسانه‌های جمعی در تلاش هستند تا افراد جامعه خود را به‌خصوص فرزندان را نسبت به ارزش‌ها جامعه‌پذیر کنند. از آنجا که هر جامعه‌ای و به دنبال آن هر نهادی در صدد درونی کردن و نهادینه کردن فرهنگ خود در مخاطبانشان است، بحث جامعه‌پذیری مطرح می‌شود. در حوزه جامعه‌پذیری می‌توان مدعی شد که از میان سه عنصر اساسی، یعنی محتوا، روش‌ها یا مکانیسم‌ها و منابع، عنصر مکانیسم‌ها مهم‌ترین عامل برای انتقال و ساختن ارزش‌های فرهنگی و تبدیل آن به هویت فرهنگی و هویت دینی یا معنوی است (اسدزندی، ۱۳۹۸).

اکثریت قریب به اتفاق جمعیت کشور ما مسلمان و حکومت آن نیز اسلامی است و یکی از وظایف اصلی آموزش و پرورش، اهتمام به تأمین بهزیستی روانی نسل جدید است. فعالیت‌های آموزش و پرورش به طور مستقیم یا غیر مستقیم در تربیت دانش‌آموزان مؤثر است. در این میان نقش معلمان و مربیان از دیگر افراد برجسته‌تر می‌نماید. با توجه به نقش مهمی که تعلیم و تربیت در تأمین بهزیستی روانی دانش‌آموزان دارند هرگاه از مسائل تربیتی دانش‌آموزان سخن به میان می‌آید نقش و جایگاه معلمان و مربیان بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

روح به عنوان کارکردی از آموزش و پرورش به طور حتم ایده‌های نو نیست و طی هزاران سال توسط مؤلفان (گوناگون) توصیف شده است. با این حال، در خلال دهه‌های پیش از دهه ۱۹۹۰ فقدان گفت‌وگوهای جدی روی این موضوع مشهود بوده است. واژه‌هایی همانند روح، معنویت و راز حیات در آموزش و پرورش سکولار یا گفتمان جدی، نامتناسب تلقی شده بود اما همین واژه‌ها در زندگی معاصر و ازجمله آموزش و پرورش به‌طور فزاینده‌ای همگون و متناسب تلقی شدند. در زمانهای اخیر دانشمندانی پیدا شده‌اند که با صراحت تمام از داخل‌سازی روح (معنویت) در قلمرو آموزش و پرورش سخن گفته‌اند.

روح را نه به عنوان یک شیء که به عنوان کیفیت یا حالتی برای تجربه تمامیت زندگی تعریف می‌کنند. روح (در این تعریف) با ابعادی از تجارب زندگی پیوند خورده که در برگیرنده ژرفا، عشق (مهر)، تعلق، قلب و رشد شخصی است. روح با علم حضوری بهتر شناخته شده و عبارت است از آنچه که صداقت و عمق معنا به تمامی ابعاد زندگانی ما می‌دهد. مور، پیوستگی طبیعی روح را بدین‌گونه شاخص‌گذاری می‌کند که با همه ابعاد زندگی ما، از یک گفت‌وگوی رضایت‌بخش گرفته تا تجارب واقعی و صادقانه‌ای که در حافظه ما می‌ماند و با دلمان تماس می‌یابد، در ارتباط است (اسدزندی، ۱۳۹۸).

برای این که موضوع روح در تعلیم و تربیت را به پژوهش بکشیم، پیش از هر چیز باید بدانیم که روح کارکردی از روششناسی، استراتژی و یا حل مسأله نیست. باور اولیه در آموزش و پرورش امروز این است که اگر چیزی خطا باشد پس باید آن را تصحیح کرد. به روح نمی‌توان به عنوان چیزی که نیازمند تصحیح است، نگاه کرد؛ بلکه باید روح را چیزی دانست که نیازمند توجه و مراقبت شخصی مستمر، هم در انتخاب‌های کوچک ابعاد معمولی زندگی است که به زندگی عمق و معنا می‌دهد، و هم در تصمیم‌های کلانی که زندگی‌های ما را متحول می‌کند. روح نیازمند مراقبت و شکوفایی است نه نیازمند درمان برای رهایی از یک آسیب (عباسی، ۱۳۹۱).

قرار است روح در مرکز فرایند یادگیری یافت شود. هنگامی که روح مورد مراقبت و توجه ویژه قرار گیرد تعلیم و تربیت با نشاط و برانگیزاننده خواهد بود و این همان روند رایج پیش از ورود ما به ورطه سفر تعلیم و تربیتی رسمی است. احیای روح در آموزش و پرورش بر معنایی عمیق‌تر از یادگیری و دانستن متمرکز است که نه تنها کارکرد عقل بلکه کارکرد تمامی ابعاد ماهیت انسان با لحاظ احساسات و تخیلات است. روح ما سرچشمه‌ای است که یادگیری عمیق از آن بیرون می‌تراود. آوردن روح به مرکز فرایند آموزش و پرورش به یادگیری معنا و حیات می‌دهد و دانش‌آموزان را دعوت می‌کند که خود را در آن دسته از تجارب یادگیری داخل کنند که از رویه خود آنها و نه راهی که دیگران پیش پایشان می‌گذارند، نشأت می‌گیرد (شی و همکاران، ۲۰۲۳).

چالش‌های تدوین راهبردهای استراتژیک

تدوین راهبردهای استراتژیک جهت رشد بهزیستی روانی در نظام آموزشی با چالش‌ها و موانعی مواجه است که می‌توانند مؤثر بر عملکرد این راهبردها باشند. برخی از این چالش‌ها عبارتند از:

۱. پیچیدگی مفهومی بهزیستی روانی:

تعریف بهزیستی روانی به‌ویژه در سیاق آموزش ممکن است برای افراد مختلف متفاوت باشد. این تفاوت در درک مفهوم معنویت و ابهامات مرتبط با آن می‌تواند تدوین راهبردها را مشکل کند.

۲. نقدهای فرهنگی و مذهبی:



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

- تفاوت‌های فرهنگی و مذهبی می‌تواند مانع از تعیین یک استاندارد مشترک برای بهزیستی روانی در نظام آموزشی شود. این اختلافات می‌توانند به تدوین راهبردها ابتکاراتی محدود کننده وارد کنند.
۳. نبود شاخص‌های سنجش بهزیستی روانی:
- در مقیاس کمی و کیفی بهزیستی روانی، ابزارها و شاخص‌های دقیق برای سنجش و ارزیابی عملکرد و تأثیر راهبردها کم‌رنگ هستند. این نبود می‌تواند مشکلاتی در ارزیابی اثربخشی راهبردها ایجاد کند.
۴. تغییر در ساختارهای نظام آموزشی:
- برخی از راهبردهای استراتژیک ممکن است نیازمند تغییرات اساسی در ساختارها و فرآیندهای نظام آموزشی باشند. این تغییرات ممکن است با مقاومت‌های سازمانی و فرهنگی همراه باشند (شی و همکاران، ۲۰۲۳).
۵. تأمین منابع مالی:
- برای پیاده‌سازی راهبردها، منابع مالی کافی لازم است. نقص منابع مالی می‌تواند عامل مهمی در عدم موفقیت راهبردها و پروژه‌های مرتبط با بهزیستی روانی باشد (طرفیه و همکاران، ۱۴۰۲).
۶. پویایی محیط اجتماعی:
- تغییرات سریع در فرآیندها و نیازهای اجتماعی می‌تواند تدوین شده راهبردها را بی‌اثر کند. تطابق با تحولات اجتماعی و فرهنگی یکی از چالش‌های این زمینه است.
۷. تعامل با عوامل خارجی:
- تعامل با انجمن‌ها، خانواده‌ها، و سایر عوامل خارجی ممکن است نیازمند مذاکرات و هماهنگی فراوان باشد که این موضوع نیاز به مهارت‌های ارتباطی و تفاهم عمیق با عوامل مختلف را ایجاد می‌کند.
۸. نقص آموزشی و آگاهی:
- عدم آگاهی نهادهای آموزشی و اعضای جامعه آموزشی درباره اهمیت بهزیستی روانی و نیاز به تدوین راهبردهای استراتژیک می‌تواند باعث شود که این راهبردها به نقد واقع شوند یا به‌طور کامل درک نشوند.
۹. اندرکنش با عوامل روان‌شناختی:
- عوامل روان‌شناختی مانند استرس، افسردگی و اضطراب می‌توانند مانع از اثربخشی راهبردها شوند. نیاز به توجه به نیازها و مشکلات روانی افراد اجتماعی و آموزشی و ارائه خدمات مرتبط با آنها حیاتی است.
۱۰. پویایی فناوری:
- پیشرفت فناوری و استفاده گسترده از وسایل الکترونیکی ممکن است به تغییرات در رویه‌ها و راهبردهای آموزشی منجر شود. تدوین راهبردها باید با توجه به این پویایی‌ها صورت گیرد.
۱۱. توجه به ابعاد متنوع بهزیستی روانی:
- بهزیستی روانی یک مفهوم چندبعدی است که عوامل مختلفی از جمله روحی، اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی را در بر می‌گیرد. نادیده گرفتن یکی از این ابعاد می‌تواند به ناکامی راهبردها منجر شود.
۱۲. تحلیل اثرات طولانی‌مدت:



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

اثربخشی راهبردها و تغییرات در بهزیستی روانی ممکن است زمان بر باشد و نیاز به تحلیل دقیق اثرات طولانی مدت داشته باشد که این موضوع نیازمند صبر و پایداری در پیگیری برنامه‌ها است. تدوین راهبردهای استراتژیک جهت رشد بهزیستی روانی در نظام آموزشی با در نظر گرفتن این چالش‌ها و موانع، نیازمند یک رویکرد یکپارچه، تعاملی و با توجه به تنوع نیازها و انتظارات افراد مختلف می‌باشد.

طراحی چارچوب استراتژیک

طراحی چارچوب استراتژیک جهت تحقق اهداف بهزیستی روانی در نظام آموزشی به شکل زیر می‌تواند باشد:

۱. تحلیل و تعریف مفهوم بهزیستی روانی:
ابتدا لازم است که یک تحلیل جامع از مفهوم بهزیستی روانی انجام شود تا تفاهم مشترکی از این مفهوم در سیاق نظام آموزشی شکل گیرد. این تعریف مشترک باید از تنوع‌ها و نیازهای افراد مختلف در نظر گرفته شود.
۲. شناسایی چالش‌ها و موانع:
تحلیل دقیقی از چالش‌ها و موانع موجود در نظام آموزشی در راستای تحقق بهزیستی روانی صورت گیرد. این تحلیل باید از دیدگاه‌های مختلف اعضای جامعه آموزشی و جوانب مختلف بهزیستی روانی ارائه شود.
۳. مشارکت و شناسایی نیازها:
مشارکت فعال اعضای جامعه آموزشی و نهادهای مرتبط در شناسایی نیازها و اولویت‌های مرتبط با بهزیستی روانی افراد، گروه‌ها و نظام آموزشی.
۴. تدوین اهداف قابل اندازه‌گیری:
تعیین اهداف محدود، قابل اندازه‌گیری و مرتبط با بهزیستی روانی که توسط شاخص‌های کمی و کیفی قابل ارزیابی باشند.
۵. تعیین راهبردها و برنامه‌ها:
ارائه راهبردهای استراتژیک مبتنی بر تحلیل چالش‌ها و نیازها به منظور ارتقاء بهزیستی روانی. این راهبردها باید شامل برنامه‌ها و فعالیت‌های متناسب با اهداف تعیین شده باشند.
۶. تدوین راهبردها و استانداردها:
تدوین راهبردها و استانداردهای مرتبط با بهزیستی روانی که به تسهیل اجرای راهبردها و دستیابی به اهداف کمک کنند.
۷. توسعه ساختارها و فرآیندها:
اصلاح و به‌روزرسانی ساختارها و فرآیندهای نظام آموزشی به منظور سازگاری با راهبردها و اهداف بهزیستی روانی.
۸. تامین منابع مالی و انسانی:
ایجاد منابع مالی و انسانی کافی برای اجرای برنامه‌ها و راهبردها، افزایش همکاری با منابع خارجی، و تسهیل در حصول اعتبارات مالی.
۹. ارزیابی و بازخورد مداوم:
تعیین نظام ارزیابی منظم برای ارزیابی پیشرفت در تحقق اهداف بهزیستی روانی، جلب بازخورد از مشارکت‌کنندگان و اصلاح



برنامه‌ها بر اساس نتایج به دست آمده.

۱۰. ترویج فرهنگ بهزیستی روانی:

ارتقاء فرهنگ سازمانی و آموزشی که ارزش‌ها و مفاهیم مرتبط با بهزیستی روانی را ترویج کند و افراد را به تعهد به این اهداف ترغیب کند (طرفیه و همکاران، ۱۴۰۲).

۱۱. تعامل با جوامع خارجی:

برقراری تعامل موثر با جوامع خارجی، انجمن‌ها، و نهادهای مرتبط جهت به اشتراک گذاری تجارب و به‌دست آوردن دانش جدید (شی و همکاران، ۲۰۲۳).

این چارچوب استراتژیک با توجه به تحلیل دقیق و مشارکت فعال اعضای جامعه آموزشی، به ایجاد یک محیط آموزشی سازنده و مطابق با اصول بهزیستی روانی کمک می‌کند.

راهبردهای استراتژیک نظام آموزشی

برای بهبود بهزیستی روانی در نظام آموزشی، می‌توان از راهبردهای استراتژیک متنوعی استفاده کرد. در ادامه، تعدادی از این راهبردها ذکر شده است:

۱. ادغام مفهوم بهزیستی روانی در برنامه‌های آموزشی:

ایجاد برنامه‌های آموزشی که به صورت صریح به ارتقاء بهزیستی روانی افراد می‌پردازند. این برنامه‌ها باید مفاهیم مربوط به ارزش‌ها، معنا و هدف در زندگی را ترویج کرده و افراد را در تسلط بر مواقع چالندگی و برخورد با راهنمایی کنند.

۲. توسعه مهارت‌های روان‌شناختی:

ارتقاء مهارت‌های مدیریت استرس، افزایش ایمنی روانی، افزایش هوش هیجانی و توسعه سایر مهارت‌های روان‌شناختی که به بهبود بهزیستی روانی کمک می‌کنند.

۳. ترویج ارتباطات مثبت:

تشویق به برقراری ارتباطات سازنده و مثبت در محیط آموزشی، ایجاد فضاهای اجتماعی حمایت‌آمیز و تشویق به همکاری و اشتراک تجارب.

۴. توجه به ارزش‌ها و اخلاقیات:

وارد کردن مفاهیم اخلاقیات و ارزش‌ها به برنامه‌های آموزشی به منظور تربیت اخلاقی و ایجاد حس ثبات اخلاقی در افراد.

۵. تسهیل در دسترسی به خدمات حمایتی:

ایجاد نظامی جامع برای دسترسی آسان به خدمات حمایتی مانند مشاوره روان‌شناختی، خدمات اجتماعی، و دوره‌های آموزشی معنوی (شی و همکاران، ۲۰۲۳).

۶. توسعه فضاهای آموزشی محیطی سازنده:

ایجاد فضاهای آموزشی محیطی که تحریک‌کننده برای انگیزه و خلاقیت باشد و افراد را به تجربه رویدادها و فعالیت‌های معنوی ترغیب کند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۷. پشتیبانی از اندیشه‌های مختلف و تنوع فرهنگی:
- ترویج فرهنگ احترام به تنوع فکری و فرهنگی، تشویق به بررسی و درک اندیشه‌ها و باورهای مختلف، و ارتقاء محیطی با احترام به تفاوت‌ها.
۸. آموزش بهزیستی روانی:
- ایجاد برنامه‌های آموزشی برای آگاهی افراد از اهمیت بهزیستی روانی، تشویق به مراقبت از بهزیستی روانی خود و دیگران، و آموزش راهکارهای مدیریت استرس و افسردگی.
۹. ترویج مفاهیم انعطاف‌پذیری و تغییر:
- آموزش مهارت‌های مدیریت تغییر، ترویج انعطاف‌پذیری در برابر چالش‌ها و اجازه به افراد برای به‌روزرسانی مفاهیم و باورهای خود.
۱۰. مشارکت فعال اعضای جامعه آموزشی:
- ترویج مشارکت فعال اعضای جامعه آموزشی در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با بهزیستی روانی، ایجاد فرصت‌هایی برای ارائه نظرات و پیشنهادات.
۱۱. پیشرفت در تکنولوژی بهزیستی روانی:
- بهره‌گیری از پیشرفت‌های تکنولوژی بهزیستی روانی برای ارائه خدمات بهزیستی روانی به دوره‌های آموزشی و فردی (طرفیه و همکاران، ۱۴۰۲).
۱۲. ارتقاء مهارت‌های ارتباطی:
- آموزش مهارت‌های ارتباطی به اعضای جامعه آموزشی به منظور ایجاد فرآیندهای ارتباطی موثر و حل مشکلات بهزیستی روانی.
۱۳. توسعه دانش اجتماعی:
- ایجاد برنامه‌های آموزشی برای توسعه دانش اجتماعی در زمینه‌های ارتباطات مثبت، حل اختلافات، و تشویق به اعتماد به نفس.
۱۴. ارتقاء مدیریت تنش:
- ارائه آموزش‌ها و برنامه‌های مدیریت تنش برای اعضای جامعه آموزشی به منظور افزایش استقامت در مواجهه با چالش‌ها.
۱۵. استفاده از رویکردهای نظامی:
- اجرای رویکردهای نظامی به منظور درک تأثیرات تغییرات در یک بخش بر دیگر بخش‌های نظام آموزشی و تضمین هماهنگی برنامه‌ها و استراتژی‌ها.
- این راهبردها می‌توانند به نحوی گسترده و تأثیرگذار در بهبود بهزیستی روانی در نظام آموزشی مشارکت داشته باشند و به فرآیند بهبودی پایدار و جامع در این زمینه کمک کنند. تلفیق این راهبردها با در نظر گرفتن مخاطبان و ویژگی‌های منحصر به فرد نظام آموزشی می‌تواند به دستیابی به اهداف بهزیستی روانی کمک شایانی کند.

نتیجه‌گیری



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

در تدوین راهبردهای استراتژیک جهت رشد بهزیستی روانی در نظام آموزشی، به وضوح دیده می‌شود که این فرایند متشکل از چالش‌ها و موانعی است که نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و تدابیر مؤثر می‌باشد. از جمله چالش‌ها می‌توان به پیچیدگی مفهوم بهزیستی روانی، نقدهای فرهنگی و مذهبی، نبود شاخص‌های سنجش دقیق، و تغییر در ساختارهای نظام آموزشی اشاره کرد. این چالش‌ها نیازمند اقدامات گسترده و هماهنگ برای پاسخ به آنها هستند. در نتیجه، تدوین راهبردهای استراتژیک برای رشد بهزیستی روانی در نظام آموزشی امری اساسی و حیاتی است که نه تنها به بهبود عملکرد آموزشی بلکه به ارتقاء کیفیت زندگی و احساس رضایت و معنویت افراد نیز کمک می‌کند (طرفیه و همکاران، ۱۴۰۲).

در این راستا، لازم است که اقدامات تدوین راهبردها با مشارکت گسترده اعضای جامعه آموزشی و توجه به نیازها و تنوع افراد انجام شود. تسلط به چالش‌ها و مدیریت موانع، استفاده از فناوری‌های نوین، ارتقاء ارتباطات مثبت و ایجاد فضاهای حمایتی از جمله اقداماتی هستند که می‌تواند تحولی اثربخش در نظام آموزشی به دنبال داشته باشد. برخی از مزایای بهزیستی روانی شامل شفقت، ظرفیت عشق و بخشش، نوع دوستی، شادی و رضایت است. ایمان مذهبی، ارزش‌ها، اعتقادات، اصول و اخلاقیات است. معنویت هویت دینی را مشخص می‌کند و می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند از بهزیستی روانی خود حفاظت نمایند. رشد معنوی کودکان از طریق تمام جنبه‌های ارائه ما تقویت می‌شود. این در مورد روابط و ارزش‌هایی است که ما آنها را مهم می‌دانیم و همچنین رشد دانش، مفاهیم، مهارت‌ها و نگرش‌ها (شی و همکاران، ۲۰۲۳).

معنویت در تعلیم و تربیت به ارتباط عمیقی بین دانش‌آموز، معلم و آزمودنی اشاره می‌کند که به قدری صادقانه، حیاتی و پر جنب و جوش است که می‌تواند به شدت با بهزیستی روانی مرتبط باشد. معنویت یک بعد مهم از رشد همه جانبه دانش‌آموزان است، مانند استقلال، انعطاف پذیری و مسئولیت پذیری. متأسفانه، اغلب به عنوان یک منطقه فراموش شده در آموزش دوران تحصیلی در بسیاری از فرهنگ‌ها باقی می‌ماند. از طریق رشد بهزیستی روانی، دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که از ویژگی‌هایی مانند احترام، مسئولیت و احترام به خود و دیگران آگاه باشند و از آنها راحت باشند. آنها یاد می‌گیرند که بتوانند تفاوت‌های بین افراد را بدون احساس ترس به رسمیت بشناسند. آنها به زمین عشق می‌ورزند و برای محافظت از آن اقدام می‌کنند.

منابع

۱. اسدزندی، مینو. (۱۳۹۸). تبیین چگونگی تأثیر سلامت معنوی بر سایر ابعاد سلامت. نشریه فرهنگ و ارتقاء سلامت، ۳(۲)، ۱۶۴-۱۷۴.
۲. بهبود، زهرا و یاری دینور، معصومه و حاجی اقراری، لعیا و دهوراری خاص، وحیده، (۱۴۰۱)، نقش سلامت معنوی در بهبود عملکرد تحصیلی و رشد شخصیتی دانش‌آموزان، نهمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت، بندرعباس.
۳. دهقانی، فرزاد، علوی، سید محمد کاظم، دستجانی فراهانی، رضوانه. (۱۴۰۱). تحلیل انسان‌شناختی سلامت معنوی با تکیه بر مؤلفه‌های نظام تربیتی در قرآن کریم. آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، ۸(۲)، ۴۳-۶۵.



۴. طرفیه، زینب و بیت حردان، فاطمه و سعیدی مرام، ابتسام و کنانی، کفایت، (۱۴۰۲)، رابطه ی هوش معنوی و معرفت شناختی دینی با سلامت روان در دانش آموزان دختر متوسطه، بیستمین کنفرانس ملی روانشناسی، علوم تربیتی و اجتماعی، بابل.
۵. عباس زاده، فرشاد. (۱۳۹۸). مبانی سلامت معنوی. نشریه فرهنگ و ارتقاء سلامت، ۳(۲)، ۱۹۸-۲۰۶.
۶. عباسی، محمود، عزیزی، فریدون، شمسی گوشکی، احسان، ناصر ری راد، محسن، اکبری لاکه، مریم. (۱۳۹۱). تعریف مفهومی و عملیاتی سازی سلامت معنوی: یک مطالعه روش شناختی. نشریه: اخلاق پزشکی. دوره: ۶، شماره: ۲۰ صفحات: ۱۱-۴۴
7. Bensley, R. J. (1991). Defining spiritual health: A review of the literature. *Journal of Health Education*, 22(5), 287-290.
8. Como, J. M. (2007). Spiritual practice: a literature review related to spiritual health and health outcomes. *Holistic nursing practice*, 21(5), 224-236.
9. Francis, L. J., Lankshear, D. W., & Eccles, E. L. (2021). Introducing the Junior Spiritual Health Scale (JSHS): assessing the impact of religious affect on spiritual health among 8- to 11-year-old students. *International journal of children's spirituality*, 26(4), 199-213.
10. Hawks, S. R., Hull, M. L., Thalman, R. L., & Richins, P. M. (1995). Review of spiritual health: definition, role, and intervention strategies in health promotion. *American journal of Health promotion*, 9(5), 371-378.
11. Hosseini, S. M., Hesam, S., & Hosseini, S. A. (2022). Relationship of Hardiness Components to General Health, Spiritual Health, and Burnout: The Path Analysis. *Iranian Journal of Psychiatry*, 17(2), 196.
12. Hsiao, Y. C., Chiang, H. Y., & Chien, L. Y. (2010). An exploration of the status of spiritual health among nursing students in Taiwan. *Nurse education today*, 30(5), 386-392.
13. Mozafarinia, F., AMIN, S. F., & HYDARNIA, A. (2014). RELATIONSHIP BETWEEN SPIRITUAL HEALTH AND HAPPINESS AMONG STUDENTS (SPIRITUAL HEALTH).
14. She, K. T. R., Wang, D. C., Canada, A. L., & Poston, J. M. (2023). The Impact of Financial Health on the Spiritual, Mental, and Relational Health of Christian Graduate Students. *Pastoral Psychology*, 72(1), 85-103.
15. Witte, T., Amick, M., & Smith, J. (2022). Recovery Identity and Psychosocial-Spiritual Health: A Survey of Individuals in Remission From Substance Use Disorders. *Journal of Drug Issues*, 00220426221133039.
16. Yuen, C. Y. (2015). Gender differences in life satisfaction and spiritual health among the junior immigrant and local Hong Kong secondary students. *international Journal of Children's Spirituality*, 20(2), 139-154.